



نیم‌نگاهی به ترجمه نهج البلاغه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری

احمد غلامعلی

نهیج البلاغه: گزیده سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین امام علی ابن ابیطالب، ترجمه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۶

نهیج البلاغه: گزیده سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین امام علی ابن ابیطالب، ترجمه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری، به همت مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، در سال ۱۳۸۶ منتشر و با عنوان ترجمه برتر کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۷ برگزیده شد.

خوشبختانه کتاب شریف نهج البلاغه تا کنون بارها به وسیله اندیشوران گرانمایه ترجمه شده است، اما ترجمه دکتر جعفری از دو جهت پراهمیت است: نخست، انتخاب نسخه‌ای قدیمی و ممتاز به نام نسخه «ابن شدقم» و دیگر شخصیت نهج البلاغه پژوهی دکتر جعفری که پس از انتشار کتاب‌های ارزشمندی چون پرتوی از نهج البلاغه و آموزش نهج البلاغه، به ترجمه نهج البلاغه روی آورده است^۱؛ افزون بر آن، تجربه درازمدت همکاری با مرحوم آیت‌الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن به یاری ایشان آمده است و رابطه‌های قرآنی را در ترجمه مذکور به خوبی می‌توان یافت.

در این نوشتار نخست با نسخه ابن شدقم و سپس با ویژگی‌های ترجمه دکتر جعفری آشنا خواهیم شد.

نسخه ابن شدقم

ابوالمکارم بدرالدین، حسن بن علی بن حسن بن علی بن شدقم حسینی، فقیه، محدث و شاعر شیعی قرن دهم است. او در مدینه به دنیا آمد و از استادان بزرگ مدینه، مکه، قزوین، یزد و

شیراز درس آموخت و به دعوت پادشاهان هند مدتی رهسپار آن دیار شد و زعامت دینی دربار شاه سلطان حسین نظام‌شاه و فرزندش شاه مرتضی را بر عهده گرفت.^۲

ابن شدقم کتاب‌های ارزشمندی مانند زهر الریاض و زلال الحیاض در تاریخ خلفا و امامان الاسئله الشدقمیه و دیوان ابن شدقم را تألیف کرد و با خط زیبای نسخ، نسخه‌ای نفیس از نهج البلاغه را نگاشت و برای ما به یادگار نهاد. شخصیت علمی او سبب شد تنها به رونویسی نهج البلاغه بسنده نکند و پس از آنکه متن انتخابی خود را با چهار نسخه معتبر مقابله کرد، برترین متن را برگزیند.

نسخه‌های مورد اعتماد ابن شدقم بنابر آنچه در پایان کتاب خود نگاشته است، چنین است:

الف) نسخه ابن ابی‌الحدید که به خط استاد ابن شدقم - مزیدی - بوده و آن را به دقت و صحت توصیف کرده است.

۱. این ترجمه، بازنویسی و ویراسته ترجمه پرتوی از نهج البلاغه است.
۲. محسن امین؛ اعیان الشیعه؛ ج ۵، بیروت، [بی‌نا]، ۱۹۸۳ م، ص ۱۷۶-۱۷۷.

البته نگاه دکتر جعفری به ترجمه‌های یاد شده، سبب چشم‌پوشی ایشان از قواعد استواری که برای ترجمه خود برگزیده‌اند، نشد؛ برای نمونه دکتر جعفری در ترجمه خود بر حفظ ساختار کلمه پایبند است و به هیچ روی، فعل را اسم و اسم را صفت ترجمه نمی‌کند؛ حال آنکه در برخی از ترجمه‌های مورد استفاده وی، چنین ساختاری نادیده انگاشته شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های ترجمه دکتر جعفری چنین است:

۱. فارسی معتدل

مترجم در انتخاب واژگان فارسی فاخر در برابر واژگان زیبای نهج البلاغه، بسیار کوشیده است و نخستین اهمیت ایشان فارسی نویسی است، ولی در پاره‌ای موارد که واژگان پرکاربرد عربی در فارسی رایج است و خواننده با آن مانوس است، از به کار بردن واژه عربی پرهیز نمی‌کند و از معادل فارسی و دور از ذهن واژه چشم می‌پوشد؛ برای نمونه واژگان «امین»، «وحی» و «خاتم» معادل‌های فارسی هرچند دور از ذهن دارند، اما دکتر جعفری در برگردان جمله «امین وحیه و خاتم رسله» می‌نویسد: [پیامبر] امانتدار وحی و خاتم فرستادگان است^۳؛ زیرا واژه خاتم در این جمله به مراتب از واژگانی مانند «پایان» و «انجام» زیباتر و رساتر است.

۲. ظرافت‌های ادبی

نهج البلاغه سرشار از ظرافت‌ها و آرایه‌های ادبی است. مترجم در ترجمه خود کوشیده است ظرافت‌های ادبی زبان عربی را به فارسی بازگرداند؛ برای نمونه در ترجمه «فاء» که دارای معانی گوناگون در زبان عربی است، در جمله زیر چنین بهره برده است: «اللهم انی استعذیک علی قریش و من اعانهم فانهم قطعوا رحمی»: خدایا من از تو بر قریش و آن کس که به یاری‌شان برخاست، فریادرس و یاری می‌جویم! زیرا ایشان پیوند خویشی مرا بریدند.^۴ ترجمه «فاء» به «زیرا» بیانگر توجه به «فاء تعلیل» از میان معانی «فاء» در زبان عربی است.

۳. بازشناسی معنای لغوی از معنای اصطلاحی

از نکاتی که مانع فهم حدیث است، در هم آمیختن معنای لغوی و اصطلاحی است. پاره‌ای مترجمان بدون توجه به معنای اصطلاحی به ترجمه لغوی واژه می‌پردازند، اما در این ترجمه،

۳. نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری؛ ص ۲۵۰، خطبه ۱۷۲.
۴. همان، ص ۲۴۹، خطبه ۱۷۱.

ب) نسخه‌ای با تاریخ کتابت سال ۵۸۸ ق که بر شیخ سدید الدین یوسف بن مطهر - پدر علامه حلی - قرائت شده و به خط او ابلاغ قرائت داشته است.

ج) نسخه‌ای به تاریخ سال ۴۰۰ ق که آثار صحت آن پدیدار بوده است.

د) نسخه شرح ابن میثم بحرانی که در نزد ابن شدقم از اعتبار کمتری برخوردار بوده است.

دکتر جعفری برای ترجمه خود، برای نخستین بار متن استوار ابن شدقم را برگزید و آن را با چند نسخه خطی معتبر مانند نسخه ابن عتایقی (۷۰۰ ق)، نسخه مدرسه نواب (۵۴۴ ق) و نسخه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (۴۶۹ ق) مقابله و سعی کرده است دقیق‌ترین متن نهج البلاغه را فراروی پژوهشگران قرار دهد.

از این روی کار ارزشمند دکتر جعفری را باید تصحیح و ترجمه‌ای دانست که نسخه‌ای قدیمی و متفاوت را برای مشتاقان کلام علوی احیا کرده است. در این تصحیح ۲۴۰ خطبه، ۷۹ نامه، ۴۵۰ حکمت و ۹ عبارت غریب الحدیث نهج البلاغه شمارش شده است.

از ویژگی‌های نسخه ابن شدقم سازگاری آن با دیگر مصادر کلام علوی است؛ برای نمونه در نسخه‌های موجود نهج البلاغه حکمت دو تا حکمت هفت در شش کلمه کوتاه تقطیع و شماره گذاری شده است، ولی در نسخه ابن شدقم تمامی شش کلمه به عنوان حکمت دو آمده است و در مصادر دیگر مانند تحف العقول نیز چنین است و در مجموع، سخن امام علی (ع) به کمیل بن زیاد است که در نسخه‌های دیگر تقطیع شده است.

ویژگی‌های ترجمه

مترجم، ترجمه نهج البلاغه را با فهرستی تفصیلی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها آغاز کرده است و آن‌گاه در مقدمه‌ای مختصر، اما فراگیر، سیر ترجمه و ویژگی‌های آن را بر شمرده است و سپس ترجمه فارسی را در ۵۷۵ صفحه در برابر متن عربی نهج البلاغه نشانده است.

دکتر جعفری در مقدمه خود، ترجمه‌های مؤثر در ترجمه‌های خویش را برمی‌شمرد که مهم‌ترین ترجمه مورد استفاده، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی است و آن‌گاه ترجمه‌ای کهن که به وسیله دکتر جوینی ویراستاری شده است. ترجمه‌ها و شرح‌های آیت الله طالقانی، فیض الاسلام، مولا فتح الله کاشانی، نواب لاهیجی و شرح عبده در ترجمه ایشان بی تأثیر نبوده است.

معنای اصطلاحی از معنای لغوی با دقت باز شناسانده شده است؛ برای نمونه در ترجمه «کم من مستدرج بالاحسان الیه» آمده است: بسا کسانی که با نیکی کردن به سوی او دچار استدرج شده اند.^۵ «استدرج» در لغت به معنای نزدیک کردن تدریجی و اندک اندک به سوی چیزی است، ولی در این ترجمه استدرج به معنای اصطلاحی آن است و مترجم در پاورقی می نویسد: «در اصطلاح آن است که خدا پی در پی به کسی نعمت می دهد و آن بنده همچنان در غفلت به سر برده و به نعمت و نعمت دهنده توجه نمی کند و با این ناسپاسی به تدریج از رحمت خدا دور شده و اندک اندک به عذاب الهی نزدیک می گردد».^۶

۴. امانتداری

امانتداری در نقل گفتارها و نوشتارهای دیگران از امور پسندیده ای است که متأسفانه برخی نویسندگان کمتر به آن توجه دارند. دکتر جعفری در ترجمه نهج البلاغه به شدت امانتداری خود را از آغاز تا انجام نشان داده است. در مقدمه از ترجمه هایی نام می برد که تأثیر آن در ترجمه ایشان بسیار اندک است، ولی با این همه تلاش مترجمان پیشین را ارج نهاده است. دکتر جعفری ترجمه خود را بر پایه ترجمه مرحوم آیت الله طالقانی بنا نهاده است و از آنجا که مرحوم طالقانی تنها ۸۱ خطبه را ترجمه کردند، ترجمه حاضر نیز تا خطبه ۸۱ از آن مرحوم طالقانی است و دیدگاه های دکتر جعفری را در توضیح و یا نقد مطالب مرحوم طالقانی در پاورقی و بارمز «ج» می توان مشاهده کرد^۷، و اگر توضیحاتی از مرحوم طالقانی باقی مانده باشد، بارمز «ط» در پاورقی نشان داده شده است.^۸

مترجم در ترجمه خویش آنچنان امانتداری خود را به اثبات رسانیده است که حتی اگر کلمه ای را از مترجمی برگزیده است، نام وی را در پاورقی می آورد؛ برای نمونه در ترجمه «عائد یعود» می نویسد: «بیمار پرس تیمار خوار» و سپس در پاورقی یادآور می شود این تعبیر زیبا از دکتر شهیدی است.^۹

۵. نمایاندن رابطه قرآن و نهج البلاغه

اگر چه در ترجمه نیازی به نمایاندن ارتباطات متن با دیگر متون نیست، اما نهج البلاغه با قرآن رابطه ای جدانشدنی دارد و نمایاندن رابطه قرآن با نهج البلاغه در فهم معانی علوی بسیار مؤثر است.

دکتر جعفری با توجه به پیشینه ای که در همکاری تفسیر پرتوی از قرآن با مرحوم آیت الله طالقانی دارد، تضمین ها و تلمیحات قرآنی را در پاورقی های ترجمه، نشان داده است تا

خواننده به اشارات کلام مولا پی ببرد. نمونه های زیر از این دسته اند:

(الف) «ان الشیطان الیوم قد استغفلهم وهو غدا متبری منهم ومُخَلَّ عنهم»^{۱۰}: بی گمان شیطان امروز آنان را به پراکندگی و جدا شدن فریفته است و او فردا از آنان بیزار می جویند است، و از ایشان دست بردارنده.

در پاورقی می نویسد: اشاره ای است به آیه «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَيَّ عَقْبِيهِ وَقَالَ إِنِّي بِرِيءٍ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۴۸).

(ب) «لَا مَصْدَأَ لِلْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ مِنْ خَلْقِهِ»: نه جای بر فراز شدن سخنان پاکیزه و رفتار شایسته، آفریدگان خویش.^{۱۱}

در پاورقی می نویسد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر: ۱۰)

(ج) «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَالْآخِرِ فَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ وَالظَّاهِرِ فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ وَالْبَاطِنِ فَلَا شَيْءَ دُونَهُ»: سپاس و ستایش ویژه الله است که نخست است، پس چیزی پیش از او نیست و باز پسین است، لذا چیزی پس از او نمی باشد و از پیدایی در چنان جای برتری است که هیچ چیز از او بالاتر نیست و در نهان بودن از او فروتر هیچ نیست.^{۱۲}

در پاورقی نوشته اند: تلمیح به آیه ۳ سوره حدید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

(د) «فَبَالَغَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّصِيحَةِ وَمَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَدَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ»: پس آن بزرگوار - که درود خدا او باد - در نصیحت و نیکخواهی کار را به سرانجام رسانید و در این کار بر راه راست گذشت و به حکمت و پند فرا خواند.

در پاورقی، عبارت مولا را اشاره به آیه ۱۲۵ سوره نحل می دانند و می نویسند: اشاره ای است به آیه «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ».

۵. همان، ص ۵۱۰، حکمت ۵۱۰.

۶. همان، ص ۵۱۰.

۷. برای نمونه ر. ک به: همان، صص ۱۶، ۳۱ و ۹۵.

۸. برای نمونه ر. ک به: صص ۳۰ و ۸۷.

۹. همان، ص ۱۳۶، خطبه ۹۸.

۱۰. همان، ص ۲۶۴، خطبه ۱۸۰.

۱۱. همان، ص ۲۶۶، خطبه ۱۸۱.

۱۲. همان، ص ۱۳، خطبه ۹۵.

۶. پاورقی های سودمند

از برجستگی های ترجمه مذکور، پاورقی های سودمندی است که در آن موضوعات متنوعی را می توان یافت. مهم ترین تلاش های مترجم در پاورقی را می توان چنین برشمرد:

الف) شرح عبارات دشوار: در خطبه ۱۵۹ عبارت «فما أعظم منعة الله عندنا»، منت الهی را چنین شرح می دهد: منت اگر از جانب بنده باشد، یعنی نعمتی را که در اصل از خود آنان نیست به دیگری بخشیدن و به دنبال آن به رخ بهره مند کشیدن، ولی اگر از طرف خدا باشد، به معنای زمینه سود بردن و بهره مند شدن از نعمت را برای بنده فراهم کردن است.^{۱۳}

توضیح سودمندی که در این پاورقی برای منت آمده است، ذهن خواننده را از نگرش منفی به واژه منت پاک می سازد و به گونه ای منت را نعمت سترگ معرفی می کند که هیچ گونه پیامد منفی نخواهد داشت.

ب) شرح اماکن و قبایل: مترجم در مواردی که واژه عربی معرف مکان یا قبیله خاصی است، در پاورقی به معرفی آن مکان می پردازد؛ مانند جمله «قلع داری؛ بادبانی دارینی»^{۱۴} را چنین می شناساند: دارای منسوب به دارین «بر وزن نائین»، بندری بوده است در کنار دریای فارس نزدیک بحرین که بادبان های خوب و پرآوازه ای داشته است.^{۱۵}

ج) شبهه زدایی: شبهه زدایی، تلاش دیگری است که در برخی پاورقی ها مشاهده می شود؛ برای نمونه جمله «المرأة شر كلها وشر ما فيه أنه لا بد فيها؛ زن همه اش بدی است، و بدتر چیز درباره اش آن است که از داشتن او چاره ای نیست.»^{۱۶} دکتر جعفری در پاورقی این عبارت می نویسد: «اگرچه این سخن در غرر و درر نیز نقل شده است، لیکن از آنجا که غرر و درر پس از نهج البلاغه تألیف شده است و اختلافی در روایات هر دو نیست که بتوان گفت غرر از منبع دیگری گرفته، می توان گفت که آمدی از نهج البلاغه گرفته است و به علت مخالف بودن این حکم کلی با قرآن، بعید به نظر می رسد که امام این سخن را به همین شکل بر زبان آورده باشد.^{۱۷}

در حقیقت دکتر جعفری، این سخن امام را به روح حاکم بر قرآن عرضه کرده است و سپس صدور سخن از امام را رد می کند؛ هر چند درباره این سخن امام توجیحات دیگر وارد شده است، ولی به هر حال حساسیت و زمان شناسی مترجم را نشان می دهد که برای فهم مخاطب امروزی پاره ای از متون نیازمند شبهه زدایی است و چنانچه بدون هر گونه توضیحی باقی بماند، سبب پدید آمدن کج فهمی در مخاطب خواهد شد.

د) بازگویی نقل های متفاوت و اشاره به نسخه های دیگر نهج البلاغه: از دیگر نکات ارزشمند پاورقی های این ترجمه بازگویی نقل های متفاوت است؛ برای نمونه در توضیح «هادم اللذات»^{۱۸} نوشته اند: «در تمام نسخه های خطی «هادم» و در نسخه های چاپی «هادم» به معنای قاطع است»^{۱۹}، و آن گاه در ترجمه به هر دو واژه توجه کرده اند و در توضیح آن نوشته اند: «اگر لفظ هادم را در متن عربی، درست بدانیم، به معنای ویرانگر و اگر هادم درست باشد، به معنی درهم شکننده است».

توضیحات مفید ایشان در پاورقی بیانگر تلاش گسترده مترجم محترم برای استوارسازی استناد نهج البلاغه است؛ برای نمونه در پاورقی خطبه ۲۲۰ می نویسد: «این سخن در برخی نسخه های خطی نیامده است. در شرح ابن ابی الحدید به شماره «۲۱۵» ثبت شده است. در شرح عبده آخرین سخن از بخش خطبه هاست (به شماره ۲۳۹). در تصحیح و فهرست نگاری دکتر صبحی صالح نیز سخن آخر است (به شماره ۲۴۱) و در نسخه عکسی و قدیمی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی پیش از سخن آخر و به شماره «۲۳۹» است.

البته توضیحات پاورقی به موارد بازگفته محدود نمی شود، اما فعالیت های برشمرده بیشتر نمایان است.

۷. انتخاب عنوان

خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار نهج البلاغه در موضوعات گوناگون و بدون عنوان اند و سیدرضی تنها برای خطبه های «۳»، شمشقیه، «۸۲»، الغراء، «۹۰»، الاشباح و «۱۹۱»، القاصعه» عنوان تعیین کرده است. مترجم محترم در این ترجمه با استفاده از کلمات امام برای تمامی «۲۴۰» خطبه و «۷۹» نامه، عناوینی مناسب برگزیده است؛ مانند عنوان «شرائف الصلوات» که برای خطبه «۷۱» برگزیده شده است و در جمله «اجعل شرائف صلواتک» وجود دارد.^{۲۰}

اطلاع از محتوای خطبه ها و نامه ها، راه را برای خواننده هموار می کند تا براساس نیاز و یا سلیقه خود، مطالعه خطبه یا

۱۳. همان، ص ۲۳۱، خطبه ۱۵۹.

۱۴. همان، ص ۲۳۹.

۱۵. همان، ص ۲۳۹، خطبه ۱۶۴.

۱۶. همان، ص ۵۲۹، حکمت ۲۳۰.

۱۷. همان.

۱۸. همان، ص ۱۳۶، خطبه ۹۸.

۱۹. همان.

۲۰. همان، ص ۸۷، خطبه ۷۱.



نامه ای را برگزیند. مشتاقان ذبیح البلاغه با تدوین فرهنگ های موضوعی، موضوعات گوناگون این کتاب را فراروی علاقه مندان قرار داده اند. دکتر جعفری، افزون بر انتخاب عناوین کلی پیش گفته با استفاده از مضمون کلام مولا، عناوین مناسبی را هم برای بخش های گوناگون خطبه ها و نامه ها برگزیده است تا خواننده با نگاهی به فهرست، از مراجعه به فرهنگ های موضوعی بی نیاز باشد.

عناوین انتخابی، موضوع محوری هر بخش از خطبه یا نامه را نشان می دهد؛ برای نمونه در معرفی خطبه ۸۱ می نویسد: «التعریف بالدنیا کوسیلة لاهداف: شناسانیدن این دنیا به عنوان وسیله نه هدف». این عنوان، برگرفته از جمله امیر مؤمنان در این خطبه است که چگونگی رفتار با دنیا را نشان می دهد: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَ ۸۰ رتَهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ»: کسی که به وسیله آن بنگرد، ستایش کند و کسی که به سوی آن

[به عنوان یک هدف] بنگرد، کورش گرداند. ۲۱

۸. تقسیم خطبه ها و نامه ها

نویسندگانی که در حوزه دانش های اسلامی از ذبیح البلاغه استفاده می کنند، ناگزیرند مطالب مورد استفاده خود را بر اساس خطبه و یا نامه آدرس دهند، در حالی که برخی خطبه ها و نامه های ذبیح البلاغه افزون از هفده صفحه است. خواننده علاقه مند، گاه برای یافتن جمله مورد استناد کتاب، یا مقاله باید تمام خطبه یا نامه طولانی ذبیح البلاغه را مطالعه کند. دکتر جعفری در ترجمه خویش خطبه ها و نامه های ذبیح البلاغه را به قسمت های کوچک تر که دربرگیرنده مضمونی تمام هستند، تقسیم کرده است و در پایان هر عبارت، شماره ای مانند شماره آیات قرآن مجید نهاده است و بدینسان پژوهش گرانی که از این ترجمه استفاده می کنند می توانند پس از شماره خطبه یا نامه به شماره عبارت مورد استشهد خویش نیز اشاره کنند تا خوانندگان به آسانی به کلام امیر مؤمنان در کتاب ذبیح البلاغه دست یابند.

در کنار امتیازات ترجمه مذکور، برخی کاستی ها نیز به نظر نگارنده آمد که امید است مورد توجه مترجم گرانقدر آن قرار گیرد؛ از آن جمله در پاره ای موارد، متن برگزیده ابن شدقم را در پاورقی آورده اند^{۲۲} و متن ذبیح البلاغه را براساس نسخه ای دیگر تصحیح کرده اند، در حالی که شایسته بود «متن ابن شدقم» به همان صورت باقی بماند و ایشان در پاورقی، متن مصحح را بیاورند و توضیح دهند که آنچه ابن شدقم آورده است، پذیرفتنی نیست؛ زیرا همچنان که گذشت، یکی از امتیازات ترجمه مذکور احیای نسخه ابن شدقم است و خواننده انتظار دارد تا متن

ابن شدقم را با عنوان متن اصلی مشاهده کند.

نکته دیگر، نقدی است که به ترجمه های ایشان وارد است؛ برای نمونه حکمت دوم ذبیح البلاغه را چنین ترجمه کرده است: «الآداب حُللٌ مجدد»: ادب ها زیورهای پیوسته نوشونده. در حالی که حلال جمع حله به معنای پوشش سراسری است، نه حلیه که جمع آن حُلّی است^{۲۳}؛ بنابراین ادب ها، لباس و پوششی سراسری هستند که پیوسته نو و تازه می شوند.

همچنین نامه ۱۶ را چنین نگاهشته اند: «وامیتوا الاصوات فانه اطرْدُ للفضل: آواها را فرو بمیرانید که سستی و بددلی را بیشتر دور می گرداند»،^{۲۴} بددلی در اینجا به معنای ترس است، ولی شاید برای خواننده فارسی زبان، بددلی به معنای ترس، نامأنوس باشد. گاهی نیز ترجمه ایشان با ادبیات عرب ناسازگار است و باید برای غیر قیاسی بودن صیغه عربی، توجیهاات فراوانی را فراهم آورد، در حالی که می توان فعل را قیاسی دانست و ترجمه هم درست خواهد بود؛ برای نمونه «إِلَّا أَنْ تَتَجَنَّنَّ، فَتَجَنَّنَّ مَا بَدَالِك»: مگر اینکه بخواهی مرا به دروغ گناه کار بدانی و در نتیجه چیزی را که برایت آشکار شد، بپوشانی.^{۲۵}

دکتر جعفری «فتجنن» را از «ج ن ن» دانسته و معانی پوشانی را برگزیده که در این صورت صیغه «فتجنن» خلاف قیاس است، در حالی که «فتجنن» از ریشه «ج ن ی» است و کاملاً با ادبیات عرب سازگار است و ترجمه چنین می شود: «پس مرا به دروغ گناه کار بدان، آنچه را که برایت آشکار است».

گاهی نیز عناوین برگزیده در زبان فارسی چندان برای خواننده مأنوس نیست؛ مانند «دهشی و اندک بخشی» که در متن ترجمه «اتیه و رضیحة»^{۲۶} است، ولی بهتر بود در عنوان استفاده نمی شد.

پاورقی های فارسی و غربی نیز در پاره ای از صفحات ناهماهنگ است و مطالب مفید فارسی به عربی و یا مطالب سودمند عربی به فارسی بازگردانده نشده است.^{۲۷}

به هر روی کاستی های اندک این اثر، سبب چشم پوشی از مزایای این ترجمه خواندنی نخواهد شد. به امید بهره گیری بیشتر از ره توشه های زیبای علوی.



۲۱. همان، ص ۹۵، خطبه ۸۱.

۲۲. برای نمونه ر. ک به: همان، صص ۴۴۷ و ۵۰۹. ۲۳. الحلل برود الیمن والحلة ازار ورداء ولا تسمى حلة حتى تکون توبین (مختار الصحاح، ۱۴۵۰) حلی المرأة وجمعه حلی.

۲۴. همان، ص ۳۸۵، نامه ۱۶.

۲۵. همان، ص ۳۷۶.

۲۶. همان، ص ۱۴۰، خطبه ۸۳.

۲۷. ر. ک به: همان، صص ۴۷، ۱۰۴، ۱۶۸ و ۳۳۰.